

عنوان

بررسی مفهومی قول در قرآن

تدوینگر

علی افتاده (علیرضانور محمدی)

حوزه علمیه تقلین مشهد مقدس

تابستان ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَى
إِنَّ رَبَّهُ لَسَدِيدٌ
إِلَىٰ عَرْشِهِ الرَّحِيمُ
الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
تُضَوِّبُ السَّحَابَ الْمَوْبِقَ
الَّذِي يُسْقِطُ مِنَ السَّمَاءِ
مِثْرًا مَاءً بَارِكًا
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
مُرْسَلًا مِثْرًا مَاءً
بَارِكًا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ
تُضَوِّبُ السَّحَابَ الْمَوْبِقَ
الَّذِي يُسْقِطُ مِنَ السَّمَاءِ
مِثْرًا مَاءً بَارِكًا
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

فرم چکیده

نام و نام خانوادگی: علی افتاده

تاریخ: ۹۸.۵.۵

عنوان: بررسی مفهومی قول در قرآن

کلیدواژه‌ها: قول (سخن گفتن)، قول معروف، قول مسرور، قول عظیم، قول سدید، قول کریم، قول لاین

چکیده:

سخن گفتن، از نعمت‌های بزرگ الهی است که نقش تعیین کننده در ساختار شخصیتی انسان دارد. قرآن کریم علاوه بر تأکید بر اهمیت سخن، به گفتن «سخن نیکو» تأکید نموده است. این مقاله با درصدد تبیین دیدگاه قرآن درباره سخن نیکو «واژه قول» با بررسی اقوال مفسران و تکیه بر آراء دانشمندان لغت‌شناس است. درباره «سخن نیکو» چند تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد: قول معروف، قول مسرور، قول عظیم، قول سدید، قول کریم، قول لاین
قول معروف، سخن حقی است که مردم طبق فطرت پاک خود آن را می‌شناسند.

قول سدید، گفتار محکم، استوار و خلل‌ناپذیر است. قول کریم، سخنی نفیس و ارزشمند و به دور از لغامت و پستی است. از منظر قرآن، اصلاح اعمال و بخشایش گناهان از آثار قول سدید (محکم و خلل‌ناپذیر) است. در روایات نیز آثار فراوانی برای سخن نیکو شمرده شده است که از جمله آنها می‌توان به بسیاری دوستان و فراوانی روزی، فزونی عمر و محبوب شدن نزد خانواده و خویشان نام برد. سخن نیکو معیارها و آدابی نیز دارد، از جمله اینکه برخاسته از علم و به هنگام و به اندازه باشد.

فرم چکیده

نام و نام خانوادگی: علی افتاده

تاریخ: ۹۸,۵,۵

عنوان: بررسی مفهومی قول در قرآن

کلیدواژه‌ها: قول (سخن گفتن)، قول معروف، قول میسور، قول عظیم، قول سدید، قول کریم، قول لین

چکیده:

سخن گفتن، از نعمت‌های بزرگ الهی است که نقش تعیین‌کننده در ساختار شخصیتی انسان دارد. قرآن کریم علاوه بر تأکید بر اهمیت سخن، به گفتن «سخن نیکو» تأکید نموده است. این مقاله با درصدد تبیین دیدگاه قرآن درباره سخن نیکو "واژه قول" با بررسی اقوال مفسران و تکیه بر آراء دانشمندان لغت‌شناس است. درباره «سخن نیکو» چند تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد: قول معروف، قول میسور، قول عظیم، قول سدید، قول کریم، قول لین

قول معروف، سخن حقی است که مردم طبق فطرت پاک خود آن را می‌شناسند. .

قول سدید، گفتار محکم، استوار و خلل‌ناپذیر است. قول کریم، سخنی نفیس و ارزشمند و به دور از لغامت و پستی است. از منظر قرآن، اصلاح اعمال و بخشایش گناهان از آثار قول سدید (محکم و خلل‌ناپذیر) است. در روایات نیز آثار فراوانی برای سخن نیکو شمرده شده است که از جمله آنها می‌توان به بسیاری دوستان و فراوانی روزی، فزونی عمر و محبوب شدن نزد خانواده و خویشان نام برد. سخن نیکو معیارها و آدابی نیز دارد، از جمله اینکه برخاسته از علم و به هنگام و به اندازه باشد.

مقدمه

۱. تعریف و تبیین موضوع

سخن گفتن و ارتباط زبانی، از جمله برترین استعدادها و توانایی‌های خدادادی بشر، اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین انسان‌ها و طبیعی‌ترین راه بیان و انتقال اندیشه و مقصد اوست. این مسئله تا آن اندازه اهمیت دارد که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان یک نعمت بزرگ در کنار تعلیم قرآن و آفرینش انسان یاد کرده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ خداوندی که انسان را خلق نمود و به او قرآن را تعلیم کرد و به او سخن گفتن آموخت. همچنین در آیه شریفه «وَلِسَانَ وَشَفَتَيْنِ» زبان که ابزار سخن گفتن است، از نعمت‌های خداوندی شمرده شده است. این توانایی بشری مانند توانایی‌های دیگر او، هم می‌تواند در مسیر صحیح به کار گرفته شود و هم در مسیر باطل.

خداوند متعال در آیات متعدد علاوه بر تأکید بر نعمت سخن، به چگونگی سخن گفتن نیز پرداخته و چارچوب‌های سخن نیکو و پسندیده را بیان کرده است. در این زمینه، روایات فراوانی هم وجود دارد که همگی حاکی از اهمیت فوق‌العاده سخن نیکو و نقش آن در اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس انسانی است. توجه، اهتمام و تلاش علمای اخلاق در معرفی گناهان زبان نیز اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد.

قرآن کریم علاوه بر اشاره به اهمیت سخن گفتن، به گفتن سخنان نیکو تأکید نموده است تا مسیر صحیح سخن گفتن را برای ما تعیین کند که در این باره شش تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد.

۲. ضرورت و اهداف تحقیق

از آنجا که کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این زمینه نیافتیم براین برآمدیم تا بحث کوتاهی در این باره داشته باشیم و به هر حال، هنوز مجال بحث و نظر در این زمینه گسترده است.

به این منظور، ابتدا تعابیر قرآنی در این زمینه را استخراج و با استناد به کتاب‌های معتبر لغت، تبیین می‌شود و سپس آراء مفسران در این خصوص بررسی می‌گردد.

۳. پیشینه موضوع

هر چند موضوع « بررسی مفهومی واژه قول در قرآن (سخن نیکو از منظر قرآن کریم)» از قدیم مورد توجه مفسران، حدیث‌پژوهان و علمای اخلاق بوده و هریک از ایشان به نحوی با استناد به آیات و روایات مربوطه به ذکر مطالبی در این باره پرداخته‌اند، اما کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این زمینه نیافتیم و به هر حال، هنوز مجال بحث و نظر در این زمینه گسترده است.

مفاهیم و مبانی

قول

المنجد: قَالَ يَقُولُ قَوْلًا، قِيلاً، مقالاً، مقالهً

قال بكذا: به چیزی حکم کرد و عقیده داشت.

قال به رأسه: با سر اشاره کرد.

مقایس فی اللغة: نطق

لسان العرب: الكلام على ترتيب، كل لفظ قال باللسان تاماً كان أو ناقصاً

الفاظ المفردة التي يبني الكلام منها

قاموس و اقرب الموارد: الكلام أو كل لفظ مذل باللسان تاماً كان أو ناقصاً

مفردات الفاظ قرآن: آنچه که بوسیله نطق آشکار می شود و مرکب از حروف است که شامل مفرد: زید و جمله : زید منطلق میشود.

سدید

المنجد: سدّ، سدّداً، سدّاداً، درست گفتار و درست رفتار بود. کارهایش با عقل و منطق، مطابق بود.

سدید: درست گفتار، درست کردار، استوار

اقرب الموارد، مفردات راغب، قاموس: سد بستن و اصلاح حائل میان دو چیز.

قول سدید: قول صواب و محکم که باطل را در آن راهی نیست و از ورود باطل بسته شده است.

مقایس فی اللغة: ذو السداد استقامت کانه لا ثلّمه له

العین: ردم الثلّمه

لسان العرب: صوب من القول (قل قولاً سدیداً: قل قولاً صواباً)

کَرِيم

المنجد : كَرُم يَكْرُمُ كَرْمًا، كَرَامَتًا: گرامی شد، كرامت و بخشش داشت ، پر مقدار شد.

كَرُم السحابُ: ابر بارید

كريم: بخشایشگر، به هر چیز ارزنده گفته می‌شود.

قول كريم: سخن خوب ارزشمند و نرم، الكريمان: دو چشم

اقرب الموارد: غَلَبَ هو في الكَرَمِ، ذوالكرم يَطْلُقُ عَلَى الْجَوَادِ الْكَثِيرِ النِّفْعِ

قول كريم: سهل، لين

رجل كريم: سَخِيءٌ مَعْطَاءٌ يُوَصِّلُ النِّفْعَ بِلا عَوْضٍ

لسان العرب: الْكَثِيرُ الْخَيْرِ الْجَوَادُ الْمَعْطَى الَّذِي لَا يَنْفَدُ عَطَاءُهُ، ج: كَرْمَاءُ

مقاييس اللغة: شَرَفَ فِي الشَّيْءِ فِي نَفْسِهِ ، شَرَفَ فِي خَلْقٍ مِنَ الْأَخْلَاقِ

مفردات راغب : كُلُّ شَيْءٍ شَرَفَ فِي بَابِهِ يُوصَفُ بِالْكَرَمِ

زروع و مقام كريم: إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

مصباح المنير: نفس و عز، ج: كرام كرماء

مؤنث: كريمه، ج: كريمات، كرائم

يُطْلَقُ كَرْمٌ عَلَى الصَّفْحِ

مَعْرُوف

مفردات: ادراكُ الشَّيْءِ بِتَفَكُّرٍ وَ تَدَبُّرٍ لِأَثَرِهِ، لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْفِعْلِ أَوْ الشَّرْعِ حُسْنَهُ

مِيسُور

معجم المعاني: آسان و سهل، ج: مياسير

باب تفعیل :یسّر الشیء لفلان: کار را برای فلانی آسان نمود.

مفردات: سهل، ضد العسر

مقایس: فرس حَسَنُ التیسور: حسن نقل القوایم

العين ولسان العرب: ضد المعسور

لین

مفردات ، قاموس قرآن: ضد الخشونه، يُسْتَعْمَلُ ذَلِكَ فِي الْأَجْسَامِ ثُمَّ يُسْتَعَارُ لِلخَلْقِ وَ غَيْرِهِ مِنَ الْمَعَانِي
مجمع البحرين، لسان العرب، العين، مقایس اللغه: ضد الخشونه

بلیغ

اقرب الموارد: كان فصيحاً، يوقَعُ الْكَلَامُ مَوَاقِعَهُ فَهُوَ بَلِيغٌ، ج: بُلْغَاءُ

معجم الوسيط: حسن و بيان بليغ

العين، معجم المعاني: فصيح

لسان العرب: كلام فصيح ، البليغ من الرجال: حسن الكلام فصيح، يَبْلُغُ بِعِبَارِهِ لِسَانَهُ كَنَّهُ مَا فِي قَلْبِهِ

واژه قول

واژه قول از دیدگاه مفسران

مطابق نگاه حضرت آیت الله جوادی آملی در تفسیر شریف تسنیم تعریف «قول» یعنی ابراز مقصود، به هر وسیله ای که امکان پذیر باشد و اختصاص به گفتار هم ندارد؛ و می تواند اعمال را هم در برگیرد؛ از طرفی اختصاص به انسان هم ندارد، یعنی ممکن است شامل موجودات دیگر نیز بشود. مثلاً حیوانات هم از طرق مختلف مقاصد و نیازهایشان را بیان می کنند. انسان نیز مقاصد خود را به طرق مختلف بیان می کند، راه هایی مثل سخن گفتن، نوشتن، نقاشی کردن «خصوصاً در انسان های نخستین»، اشاره کردن و بنابراین همه، اعم از خداوند، ملائکه الهی، موجودات طبیعی، دارای قول هستند.^۱

به عنوان مثال در برخی از روایات آمده است که اگر می خواهید با خدا سخن بگویید، نماز بخوانید؛ و اگر می خواهید خداوند با شما سخن بگوید قرآن بخوانید. چون الفاظ قرآن عیناً همان الفاظی است که خداوند تبارک و تعالی بیان نموده است. یعنی این گونه نیست که صرفاً محتوای قرآن به قلب پیامبر اکرم (صلوات الله علیه وآله وسلم) نازل شده باشد و رسول خدا (صلوات الله علیه وآله وسلم) با الفاظ خود، آنها را بیان کرده باشد.

بنابراین روشن شد که قول به معنای «ابراز ما فی الضمیر» است. از اینجا روشن می شود که «قول» شامل فعل و عمل هم می شود.

قول معروف

قول معروف از دیدگاه مفسران

آیاتی که این واژه در آنها آمده است:

وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُمْ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا^۳

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ^۴

بقره: ۲۳۵. ۲

بقره: ۱۲۶۳. ۴

وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»

۵

فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا»

۶

وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا.»

۷

گرچه هریک از آیات پنج‌گانه مذکور مربوط به موردی است و با خصوصیت آن، موارد «قول معروف» معنای خاصی پیدا می‌کند، اما در کل می‌توان از این آیات استفاده نمود که ما از طرف خداوند در سخن گفتن مأمور به سخن معروف هستیم.

درباره قول معروف، مفسران نظرات مختلفی دارند که می‌توان آن را ذیل دو دیدگاه دسته‌بندی کرد. دیدگاه اول: مقصود از «قول معروف» همان گفتار و سخن معروف است که غالب مفسران بدان معتقدند. منتها در اینکه مراد از سخن معروف چیست دیدگاه‌های متعددی دارند؛ مانند:

قول معروف: سخنی است که نزد عقل و عرف و شرع، شناخته شده باشد.

قول معروف: سخن معروف و پاکیزه.

قول معروف: قول حسن و نیکو و به دور از خشونت.

قول معروف: سخنی است که مایه رشد و صلاح باشد.

قول معروف: عبارات و سخنان دلنشین و شایسته‌ای است که هم کمبود روانی آنها را برطرف می‌سازد و هم به رشد عقلی آنها کمک می‌کند.

دیدگاه دوم: مراد از «قول»، معنای کنایی آن است؛ یعنی معاشرت و رفتار. این نظریه مربوط به علامه طباطبائی است. ایشان می‌فرمایند: «قول معروف» به معنای مطلق معاشرت و رفتار است نه سخن گفتن.

نساء: ۲۵

نساء: ۲۸

احزاب: ۲۳۲

بررسی تطبیقی آیات متناظر

الف. «معروف» در لغت به معنای آن چیزی است که شناخته شده نزد عقل و فطرت مردم است. مردم کارهای نیک و حق را طبق فطرت پاک خویش می‌شناسند و برای آنها کارهای باطل و زشت و ناپسند ناآشناست. راغب می‌گوید: «معروف» اسم است برای هر کاری که از نظر عقل یا شرع حسنش معلوم و شناخته شده باشد. ابن فارس هم به این معنا در کتاب خود اشاره نموده است.

ب. در بیان برخی از مفسران آمده بود: «قول معروف» به معنای سخنان دلنشین و شایسته‌ای است که کمبود روانی آنها را برطرف می‌سازد. این معنا مربوط به مورد آیه است که در خصوص یتیمان است، و گرنه به صورت عام نمی‌توان آن را در تمامی مواردی که «قول معروف» آمده بود ذکر نمود، بلکه قول معروف همان سخن نیک و حقی است که شناخته‌شده برای مردم است.

پ. به نظر علامه طباطبائی، مقصود از «قول معروف» سخن نیکو نیست، بلکه کنایه از معاشرت و رفتار است. هرچند این معنا، در حد خودش به عنوان یک احتمال قابل توجه است، ولی نیاز به قرینه دارد که در کلام آن بزرگوار قرینه‌ای برای آن نیامده است.

نتیجه اینکه: ظاهر «قول معروف» در این آیات همان گفتار و سخنی است که خوب و شایسته و زیبا و نیکو باشد که غالب مفسران هم به همین معنای لغوی اشاره نموده‌اند.

قول سدید

ویژگی های قول سدید

راست باشد نه دروغ.

درست باشد نه اشتباه.

هزل و بیهوده و لغو نباشد.

بجا و در وقت خود باشد.

از روی اندیشه و نظر به حال و آینده بیان شود.

از روی عدالت و انصاف باشد.

قول سدید از دیدگاه مفسران

آیاتی که این واژه در آنها آمده عبارتند از:

وَالْيَخِشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا
 ۱
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا
 ۱

آیه مدنظر به دنبال بحث‌هایی که درباره شایعه پراکنان بد زبانان گذشت، دستوری صادر می‌کند که در حقیقت درمان این درد بزرگ اجتماعی است. می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق و درست بگویید «یا ایهاالذین آمنوا اتقواالله وقلوا قولا سديدا»
 قول سدید از ماده سدّ و به معنای محکم و استوار و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است. سخنی است که همچون یک سدّ محکم جلوی امواج فساد و باطل را می‌گیرد و اگر بعضی از مفسران آن را به معنی صواب و بعضی معنای خالص بودن از دروغ و لغو یا هماهنگ بودن ظاهر و باطن و مانند آن تقسیم کرده اند همه به معنی جامعی که گفته شد برمی‌گردد.

آیه بعد نتیجه قول سدید و سخن حق را چنین بیان می‌کند: خداوند به خاطر تقوا و گفتارحق اعمال شما را اصلاح می‌کند و می‌بخشد «يصلح لكم أعمالكم و يغير لكم ذنوبكم»^۲

در حقیقت تقوا، سبب اصلاح گفتار(زبان) و سرچشمه گفتار حق است و گفتار حق یکی از عوامل مؤثر اصلاح اعمال و اصلاح اعمال، سبب آموزش گناهان است؛ چرا که (إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ) اعمال نیک گناهان را از بین میبرد.^{۱۴}

^۱ نساء، ۹

^۲ احزاب، ۷۰

^۱ احزاب، ۷۱

^۲ هود، ۱۱۴

^۳ تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۴۷۵

در پایان آیه می‌فرمایید: اکنون که چنین است باید سرپرستان یتیمان از مخالفت با احکام خدا بپرهیزند و باید با زبان ملایم و عباراتی لبریز از عواطف انسانی سخن بگویند «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» تا ناراحتی درونی و زخم‌های قلب آنها به این وسیله درمان شود. این دستور عالی اسلامی که بیان شد، اشاره به این نکته روانی دارد و آن اینکه نیازمندی کودک منحصر به خوراک و پوشاک نیست بلکه پاسخ‌گفتن به عواطف و احساسات قلبی مهمتر است و در ساختمان زندگی آینده او فوق العاده موثر است؛ زیرا طفل یتیم بسان دیگران انسان است و باید از نظر نیازهای عاطفی نیز تغذیه شود، باید از محبت و نوازش‌های یک کودک که در دامن پدر و مادر است بهره‌مند گردد، او مانند یک بچه گوسفند نیست که صبح همراه گله به چراگاه رود و غروب برگردد بلکه باید علاوه بر مراقبت‌های جسمی از نظر تمایلات روانی نیز بهره‌مند شود و گر نه کودکی سنگدل، شکست‌خورده، فاقد شخصیت و خطرناک به عمل می‌آید.

در نتیجه یعنی: کار را درست انجام دهید، محکم کنید و رفتار حکیمانه انجام دهید که رفتار حکیمانه چیزی غیر از این نیست.^{۱۵}

قول بلیغ

قول بلیغ از دیدگاه مفسران

آیه ای که این واژه در آن آمده است:

اَوَلَيْكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا

«قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» یعنی: به ایشان سخنی بگو که دل هایشان آن را درک کند و بفهمند چه می‌گویند و خلاصه با زبان دل آنان حرف بزن تا متوجه شوند که این رفتار آنها چه مفاسد و ضررهایی دارد و اگر معلوم شود نفاق ورزیده‌اند چه غذایی ناشی از خشم خدای تعالی بر آنان نازل می‌شود.

تفسیر تسنیم جلد ۱۷ صفحه ۴۴۷، تفسیر نمونه جلد ۳ صفحه ۲۱۱۴

۶۳ نساء ۱۶

همچنین، از دستور به قول بلیغ معلوم می‌شود که آن حضرت از فنون بلاغت کامل بهره مند بود، هرچند شهرت وی قبل از بعثت به امانت و صداقت بود نه فصاحت. چون اگر آشنایی او به این فن شهره می‌شد، اتهام جعل قرآن و اسناد مجعول به خداوند رواج می‌یافت؛ البته آنچه از این آیه برداشت می‌شود و با توجه به اینکه، بلیغ نعت قول باشد، آن است که آن حضرت به برکت نبوت و رسالت الهی به این وصف کمالی بار یافت؛ نه اینکه قبل از نبوت دارای چنین مقامی بوده است و گرنه بستن راه نفوذ تهمت، آسان نیست.

آری، آشنایی آن حضرت به بلاغت در حد علما و ادبای معروف آن زمان آسیبی نمی‌رساند، زیرا در این صورت نیز، دیگران با هماهنگی همگانی، از آوردن یک سوره مثل قرآن عاجز بودند.

نکته: بعد از موعظه، باید با صراحت، منافقان را نسبت به عواقب کار و سرنوشتشان هشدار داد.

۲

«فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»

قول کریم

قول کریم از دیدگاه مفسران

آیه ای که این واژه در آن آمده است:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلِغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا نَهْرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا^۱

۲

۱. تفسیر المنار جلد ۵ صفحه ۱۸۹، ۱۸۸.

۲. تفسیر المیزان جلد ۸ صفحه ۳۴۵ ص ۳۴۶.

۳. تفسیر تسنیم صفحه ۳۳۶ جلد ۱۹.

۴. تفسیر نور نزل آیه ۶۳ سوره نساء، صفحه ۳۱۹ جلد ۲ تفسیر نور ذیل آیه ۶۳ سوره نساء.

۵. اسراء، ۲۳.

احسان به والدین در کنار توحید و اطاعت از خداوند آمده است تا نشان دهد این کار هم واجب عقلی و وظیفه انسانی است هم واجب شرعی. در احسان به والدین، مسلمان بودن آنها شرط نیست، همچنین هم احسان لازم است، هم سخن زیبا و خوب.

بعد از احسان، گفتار کریمانه مهمترین شیوه برخورد با والدین است. در احسان به والدین و قول کریمانه شرط مقابله نیامده است یعنی، اگر آنان هم با تو کریمانه برخورد نکردند تو کریمانه سخن بگو. «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۲

قول میسور

قول میسور از دیدگاه مفسران

آیه ای که این واژه در آن آمده است:

وَأَمَّا تَعْرِضْ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا مَيْسُورًا^۲

این آیه طرز برخورد صریح با نیازمندان را در چنین شرایطی بیان می کند، می گوید: اگر از این نیازمندان، به خاطر نداشتن امکانات و انتظار رحمت خدا که به امید آن هستی، روی برگردانی نباید این روی گرداندن همراه با تحقیر، خشونت و بی احترامی باشد؛ بلکه باید با گفتاری نرم، سنجیده و توأم با محبت، با آنها برخورد کنید؛ حتی اگر می توانی وعده آینده را به آنها بدهی.

میسور از ماده ی بسر، به معنی راحت و آسان است و در اینجا مفهوم وسیعی دارد که هر گونه سخن نیک و برخورد همراه با احترام و محبت را شامل می شود. بنابراین اگر بعضی آن را به عبارت خاصی تفسیر کرده اند و یا به وعده دادن برای آینده، همه از قبیل ذکر مصداق است. در روایات می خوانیم بعد از نزول این آیه، هنگامی که کسی چیزی از پیامبر (صلوات الله علیه) میخواست و پیامبر نداشت، حضرت می فرمود «يَرْزُقْنَا اللهُ وَايَاكُمْ مِنْ فَضْلِهِ» امیدوارم خدا ما و تو را از فضلش روزی دهد.

^۲ تفسیر نور جلد ۷ صفحه ۴۱

^۳ اسراء، ۲۸

^۱ تفسیر مجمع البیان زیر آیه مورد بحث .

سنت‌های قدیمی ما، به هنگام برخورد با مسائل چنین بود و هست، هنگامی که تقاضا کننده در خانه می‌آمد و چیزی برای دادن موجود نبود، به او می‌گفتند: «بخشید» اشاره به اینکه آمدن تو، بر ما حق ایجاد می‌کند و از نظر اخلاقی، از ما چیزی طلب کار هستی، تقاضا داریم این مطالبه اخلاقی خود را بر ما بخشید، زیرا چیزی که پاداش آن باشد موجود نداریم.

در جای دیگر به بیانی دیگر هم فرموده (وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ) سائل را مرنجان، بلکه با زبان نرم او را برگردان. در کشاف گفته: جمله (إِبْتِغَاءُ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ) یا متعلق به جواب شرطی است که مقدم به وجود شرط است و تقدیر آن این است که با ایشان به آسانی و نرمی سخن بگو و با وعده‌های نیک دلخوششان ساز و با اینگونه رحمت‌ها که به ایشان می‌کنید، رحمت پروردگار را برای خود تحصیل کنید و یا آن که متعلق است به خود شرط و معنایش این است که «و اگر به خاطر نرسیدن آن مالی که امیدوار رسیدنش بودی از ایشان اعراض کردی» که از رزق تعبیر به رحمت شده باشد^۲ در این صورت ایشان را به نرمی و خوبی برگردان. بنابراین معنای کلمه ابتغاء به جای فقر و تهیدستی و نرسیدن مال، به کار رفته، به این عنایت که شخص فاقد رزق، همیشه در طلب است پس فقدا (نداری) همیشه سبب ابتغاء و طلب کردن است و ابتغاء مسبب از آن است و در آیه مسبب به جای سبب آمده.

اگر نیاز مالی کسی را برطرف نکرده ایم، لاقل دل او را با سخن شایسته به دست آوریم و به فقرا وعده ای بدهیم که بتوانیم عمل کنیم و مشکل را نباشد.

بخش هشتم : قول لَئِن

۱. قول لَئِن در دیدگاه مفسران
آیه ای که این واژه در آن آمده است:

سوره ضحی آیه ۱۰. ۲

تفسیر المیزان جلد ۲۵، صفحه ۱۴۵، ۱۴۶. تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۱۰۸-۱۰۹. ۲

تفسیر نور جلد ۷ صفحه ۴۸. ۴

اِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ

۸

این آیه، طرز برخورد موثر با فرعون را در آغاز کار به این شرح بیان می‌فرماید: «برای اینکه بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید با سخنان نرم، با او سخن بگویید. شاید متذکر شود یا از خدا بترسد».

فرق میان «یتذکر و یخشی» در اینجا این است که، اگر با سخنان نرم و ملایم با او روبرو شوید و در عین حال مطالب را با صراحت و قاطعیت بیان کنید، یک احتمال این است که او دلایل منطقی شما را از دل بپذیرد و ایمان آورد، احتمال دیگر این که لاقلاً از ترس مجازات الهی در دنیا و آخرت و بر باد رفتن قدرتش، سر تسلیم فرود آورد و با شما مخالفت نکند، البته احتمال سومی نیز وجود دارد و آن اینکه نه متذکر شود و نه از خدا بترسد، بلکه راه مخالفت و مبارزه را پیش گیرد، که با تعبیر لعل (شاید) به آن اشاره شده است و در این صورت، نسبت به او اتمام حجت شده است و در هیچ حال اجرای این برنامه بی فایده نیست.

بدون شک خداوند می‌دانست که سرانجام کار او به کجا خواهد رسید، ولی تعبیرات فوق درسی است برای موسی و هارون و همه رهبران راه الهی.

پس، در گفت و گو، باید از تندی و خشونت خودداری کرد، که همین خویشنداری از تندی، واجب ترین آداب دعوت و سخن گفتن است.

۲

۹

گام اول در امر به معروف و نهی از منکر، در مسیر بزرگترین هدف و خدمت انبیا که مبارزه با طاغوت و برداشتن موانع راه خداپرستی بوده است، بیان نرم است و شروع تربیت و ارشاد، باید از طریق گفتگوی صمیمانه باشد؛ حتی با سرکش ترین افراد نیز، باید ابتدا با نرمی و لطافت سخن گفت؛ و امیدها در نرمی است و انتظار از خشونت نمی‌رود.

۳

۱. ۴۴. طه

تفسیر المیزان جلد ۲۷ صفحه ۲۳۸. تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۳۵^۲

تفسیر نور جلد ۷ صفحه ۳۴۸^۳

منابع

قرآن

آیت الله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، چاپ نهم، ۱۳۹۰ش

ناصرمکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش

محسن قرائتی، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش

علامه سید محمدحسین طباطبایی (ره)، تفسیر المیزان، انتشارات محمدی، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش

المنجد: لوییس

ابن منظور محمدبن مكرم، لسان العرب، قرن هفتم، انتشارات دارصادر، ۱۴۱۴ق

حسین بن محمدراغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، دارالعلم دارالشمیه، ۱۴۱۳ق

خلیل بن محمد فراهیدی، العین، قرن دوم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق

مقایس اللغه

سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، قرن پانزدهم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش

فرهنگ عربی به فارسی

المعجم المعانی

سعیدالخوری الشرتونی، اقرب الموارد،

معجم الوسیط: چندنفر از استادان فن آن را در مجمع اللغه العربیه تألیف کرده اند.

احمدبن محمد فیومی، مصباح المنیر، قرن هشتم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته